



فتوا از قم، شلیک در پاکستان!

مصاحبه با کاجو نوازش علی خان، طلبه پاکستانی مقیم ایران

به شیعه هستند به طوری که محب اهل بیت علیهم السلام هستند و در مجالس عزاداری شیعیان و محافل آنها شرکت می‌کنند و حتی با شیعیان ازدواج می‌کنند. دیوبندی‌ها که سلفی می‌باشند هم سه قسم هستند: سلفی تبلیغی، سلفی جهادی و سلفی تکفیری. در همه ایالت‌های پاکستان شیعیان و اهل سنت به صورت ترکیبی حضور دارند.

• نحوه تعامل شیعیان و اهل سنت پاکستان در گذشته و حال چگونه بوده است؟

در هنگامه تشکیل کشور پاکستان و جدا شدن آن از هند در سال ۱۹۴۷ شیعیان و بریلویی‌ها با هم متحد و موافق استقلال بودند ولی دیوبندی‌ها به دلایلی با این کار مخالف بودند. با این حال بعد از تاسیس پاکستان تا چندین سال در آنجا هیچ مساله طایفه ای وجود نداشت. البته این مطلب را بگویم که متأسفانه در پاکستان بیشتر مداحان سواد درست و حسابی ندارند و در صحبت‌هایشان خرافات و بدعت‌های زیادی را مطرح می‌کنند و سب و لعن صحابه توسط مداحان در پاکستان امری شایع و عادی بوده است.

• یعنی با اینکه سب و لعن امر عادی بوده است اختلافات مذهبی وجود نداشته است؟

خیر، وجود نداشته است. دلایل آن هم این بوده است که اولاً، دیوبندی‌ها که در مجالس شیعیان شرکت نمی‌کردند و خبر نداشتند که در این جلسات چه می‌گذرد. بریلویی‌ها هم که شرکت می‌کردند به دلیل ارادت زیادی که به اهل بیت داشتند از کنار این توهین‌ها می‌گذشتند و چشم پوشی می‌کردند و موجب عدم حضورشان در

• در ابتدا خودتان را اجمالاً معرفی بفرمایید.

بنده کاجو نوازش علی خان هستم از منطقه ای در شمال پاکستان نزدیک مرز چین. نزدیک ده سال است که طلبه شده‌ام. در ابتدا دو سال در پاکستان درس خواندم و بعد از آن به نجف رفتم. یک سال در نجف بودم و سال ۸۴ به ایران آمدم. هم اکنون در مدرسه آل البیت در رشته فقه و معارف گرایش فلسفه درس می‌خوانم. تحصیلات دانشگاهی‌ام نیز فوق لیسانس رشته جغرافیا است.

• فضای دینی و مذهبی پاکستان و تقسیم بندی‌های آن چگونه است؟

پاکستان بعد از اندونزی پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی است و حدود ۱۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد. اکثر مردم پاکستان یعنی نزدیک ۷۵ درصد سنی و ۲۰ درصد شیعه هستند و ما بقی هم از ادیان دیگر مثل مسیحیت و هندویسم. اهل سنت هم دو دسته هستند: حنفی و حنبلی. حنبلی‌ها همان اهل حدیث هستند که ده درصد جمعیت پاکستان هستند و اکثریت اهل سنت حنفی هستند. حنفی‌ها هم دو گروه هستند: بریلویی‌ها و دیوبندی‌ها. بریلویی‌ها از لحاظ فقهی حنفی هستند ولی از لحاظ عقاید و تفکر صوفی هستند. سلسله‌های صوفیه مثل قادریه

و نقش بندیه به آنها برمی‌گردد. دیوبندی‌ها هم از لحاظ فقهی حنفی ولی از لحاظ عقاید سلفی هستند. حنفی‌ها اکثراً بریلویی هستند و کمتر دیوبندی هستند. بریلویی‌ها ۶۰ درصد جمعیت پاکستان را تشکیل می‌دهند یعنی بزرگترین جمعیت مذهبی را بریلویی‌ها دارا هستند و بعد از آنها شیعیان قرار دارند. بریلویی‌ها نزدیک ترین گروه

من یک حرف در دلم مانده هست که می‌خواهم آن را بیان کنم. و آن این است که این همه درگیری و کشتار در پاکستان ریشه در قم دارد. آنهایی که لعن می‌کنند می‌گویند که از عالمی در قم فتوا داریم.

این جلسات نمی شد. ثانیاً، ارتباطات رسانه ای مثل امروز گسترده نبود و اگر حرفی زده می شد در همان جا دفن می شد و ثالثاً، بر فرض وجود ارتباطات رسانه ای، انگیزه ای برای ترویج و توزیع این سب و لعن ها و تحریک اهل سنت وجود نداشته است.

• پس اختلافات مذهبی از چه زمانی و چگونه شروع شد؟

قبل از انقلاب شیعیان پاکستان فعالیت سیاسی خاصی نداشتند. این وضعیت ادامه داشت تا هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد. با وقوع انقلاب اسلامی و به واسطه سیاست حضرت امام مبنی بر صدور انقلاب به جهان، استکبار جهانی از بیداری ملت ها احساس خطر کرد. آنها پیش بینی می کردند که کشورهای مثل عراق، پاکستان و لبنان می توانند پذیرای این انقلاب استکبار ستیز باشند. در زمان وقوع انقلاب، رئیس جمهور پاکستان شخصی بود به نام ژنرال ضیاء الحق. او از لحاظ فکری دیوبندی بود. ضیاء الحق به تحریک عوامل خارجی خبراز اجرای برنامه ای داد به نام ترویج نظام مصطفی در پاکستان. و همانطور که خودش توضیح داد منظورش از ترویج نظام مصطفی رسمیت بخشیدن به فقه حنفی در پاکستان و به عبارت دیگر، همان اعلام مذهب حنفی به عنوان مذهبی رسمی کشور بود. بعد از اعلام این برنامه شیعیان به طور یکپارچه اعتراضات گسترده ای را شروع کردند که در نهایت با تصرف پایتخت قدرت خود را به رخ حکومت کشیدند و دولت مجبور به مصالحه با شیعیان شد. بعد از این قدرت نمایی، حکومت و پشتیبانان خارجی آن از ناحیه این قدرت بالقوه شیعیان به شدت احساس خطر کردند و به فکر مهار شیعیان و تضعیف و ضربه زدن به آنها افتادند. در این راستا اقدام به راه اندازی گروهی به نام سپاه صحابه کردند. رئیس سپاه صحابه یک عالم دیوبندی به نام حق نواز جهنگوی بود که توسط ضیاء الحق خریده شده بود تا این گروه را راه بیندازد. شیوه کار آنها هم این بود که با جذب جوانان دیوبندی و پخش صوت سب و لعن صحابه توسط شیعیان برای آنان، آنان را برای کشتن شیعیان توجیه و تهییج می کردند. پدیده سلفی تکفیری از این زمان شروع به شکل گرفتن کرد. پیش از این پدیده تکفیر وجود نداشت و اگر هم بود محدود به حوزه نظر بود و نه عمل. از آن زمان بود که کشتار شیعیان در پاکستان شروع شد.

• یعنی عامل اصلی در کشتار شیعیان توسط این گروه ها همین سب و لعن ها است؟

بله. البته عوامل دیگری هم وجود دارد ولی سبب اصلی در کشتار شیعیان همین مساله سب و لعن است. متأسفانه بعضاً کار به جایی رسیده است که یکی از بریلویی ها- که خیلی با شیعیان خوب هستند- رئیس سپاه صحابه در کراچی شده است. تکفیری شدن او و عده ای از بریلویی ها هم بعد از این بود که فهمیدند عده ای از شیعیان به ام المومنین عایشه توهین می کنند. صوتی از رئیس لشکر جهنگوی که جایگزین سپاه صحابه شده است وجود دارد که در آن می گوید اگر روزی شیعیان بزرگان ما را لعن نکنند ما هم کاری به آنها نداریم.

• وضعیت کنونی جریان سب و لعن چگونه است؟

بعد از این درگیری ها از حیث کمیت رو به کاهش است ولی همان عده قلیل شدت کار خود را افزایش داده اند. و اگر کارهای

این عده قلیل نبود کشتار شیعیان به شدت کم می شد. افراطی ها - چه شیعه و چه سنی - واقعا در اقلیت هستند. مثلاً تکفیری ها شاید ده درصد هم نباشند ولی چون ابزار رسانه ای قوی دارند کارهایشان را بزرگ جلوه می دهند و طوری وانمود می شود که گویی اکثر سنی ها در پاکستان تکفیری هستند.

یک نکته جالب هم بگویم و آن اینکه من اطلاع ندارم که تا به حال کسی از این افرادی که لعن می کنند کشته شده باشد و فقط از مردم بیگناه کشته می شوند.

• در سطح علمای شیعه و سنی مساله به چه صورتی است؟

اکثر علمای طراز اول با هم خوب هستند. مثلاً آقای سید ساجد نقوی رهبر نهضت جعفریه با علمای دیوبندی رابطه خوبی دارد و به طور مثال کنفرانس وحدت اسلامی که در تهران برگزار می شود سران دیوبندی را دعوت می کند و به کنفرانس می آورد. از آن طرف هم سران دیوبندی و بریلویی و حتی اهل حدیث- حنبلی ها- شیعیان را تکفیر نمی کنند و حرفی برخلاف وحدت نمی زنند. تشکیلی وجود دارد به نام شورای مذاهب پاکستان که در آن از همه سران مذاهب مختلف حضور دارند. نکته جالب هم این است که سران افراتیون شیعه و سنی از علمای طراز بالا نیستند و طرفداران زیادی هم ندارند.

• آیا پدیده سب و لعن در گرایش مذاهب دیگر به تشیع تأثیری داشته است؟

در اوایل تشکیل کشور پاکستان شیعیان حدود ۱۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دادند ولی بعد از گذشت بیست سال به واسطه تبلیغاتی که میشد این رقم به بیست درصد رسید. ولی متأسفانه بعد از شروع درگیری هایی که ذکر آن گذشت این روند متوقف شد و بدتر آنکه حتی عده ای از شیعیان سنی شده اند!

• به چه علت؟

اکثر این افراد اساتید و دانشجویان- قشر نخبه- شیعیان بوده اند. آنها با تصویری که از شیعه در اطراف خود می دیدند به این نتیجه رسیدند که تشیع چیزی جز عزاداری و قمه زنی و خلاصه یک سری وحشیگری نیست و چنین مذهبی به درد زندگی نمی خورد و آن را رها کردند.

اما با این حال اگر تشیع به طور صحیحی برای اهل تسنن تبیین شود زمینه گرایش به تشیع وجود دارد گرچه با این جریان سب و لعن کار سخت شده است.

• در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

من یک حرف در دلم مانده هست که می خواهم آن را بیان کنم. و آن این است که این همه درگیری و کشتار در پاکستان ریشه در قم دارد. آنهایی که لعن می کنند می گویند که از عالمی در قم فتوا داریم. آنها که قمه می زنند همین طور. اگر این علما از آنها پشتیبانی فکری نمی کردند اینگونه کارها خیلی کم می شد. البته این علما نیت شان خوب است و قصد دارند که تشیع را گسترش بدهند ولی مسیر اشتباهی را در پیش گرفته اند. مسیر صحیح همان مسیری است که امام و رهبری در پیش گرفته اند. از همین مسیر است که می بینیم در کشور نیجریه چهل میلیون نفر شیعه شده اند و یا در خود پاکستان کسانی که شیعه می شوند اکثراً به خاطر افکار امام و رهبری و حزب الله است.